



تُپلی‌ترین گندم‌ها

● کلر ژوبرت ● تصویرگر: عاطفه ملکی‌جو

من «گنجشکو» هستم. هر روز لبه‌ی پنجره‌ی این خانه می‌نشینم. می‌دانی چرا؟ چون خانه‌ی امام حسن عسکری^(ع) است. امام برای من و دوستانم گندم می‌ریزد. من گندم می‌خورم بعدش همین‌جا می‌مانم تا به حرف‌های قشنگ او گوش کنم.

دیروز امام به کسی گفت: «کاری که دوست نداری بقیه بکنند، خودت هم نکن.» به لانه که برگشتم، برای مامانم تعریف کردم و گفتم: «چرا امام این را گفت؟ این را که همه می‌دانند!»

مامانم خندید و گفت: «مطمئنی هیچ‌وقت کاری نمی‌کنی که دوست نداری بقیه بکنند؟» خوب که فکر کردم، فهمیدم مامانم درست می‌گوید. برای همین امروز که پشت پنجره‌ی خانه‌ی امام نشستم، زود تُپلی‌ترین گندم‌ها را برداشتم، چون خوشم نمی‌آید دوستانم این کار را بکنند.

الآن هم منتظرم کسی پیش امام بیاید. آن‌وقت به حرف‌هایش خوب خوب گوش می‌کنم تا چیزهای جدید یاد بگیرم.